

روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی **صبح ایران**

صاحب امتیاز و مدیرمسئول: **مهدی رحمانیان**

نشانی: تهران: میدان فاطمی، خیابان بهرام‌مصری، پلاک ۲۲ • تلفن: ۵۴۰ و ۸۸۹۳۶۷۰ • نمابر: ۸۸۹۲۵۴۶۷

تلفن آگهی‌ها: ۸۶۰۳۶۱۱۹ • تلفن امور آگهی‌های شهرستان‌ها: ۷-۴۴۰۱۹۸۰۵ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۹۰۳۵۴۸

توزیع: شرکت پیام‌رسان سبز • تلفن: ۶۶۲۸۷۳۴۴ • چاپ: صمیم

شرق روزنامه

یکشنبه ۲۲ تیر ۱۴۰۴ • ۱۷ محرم ۱۴۴۷ • ۱۳ جولای ۲۰۲۵ • سال بیست‌ویکم • شماره ۵۱۵۴ • ۱۲ صفحه
اذان ظهرتهران ۱۲:۱۰ • اذان مغرب ۱۹:۴۲ • اذان صبح فردا ۳:۱۶ • طلوع آفتاب ۴:۵۹

www.sharghdaily.com

aparat:tasvirshargh

Telegram:SharghDaily

youtube:sharghdaily

twitter:sharghdaily

instagram:sharghdaily1

چطور خسارات جنگ را ارزیابی کنیم؟



مهدی زارع

نفر از آنها غیرنظامی بودند. ارزیابی خسارات و تلفات پس از یک جنگ ۱۲روزه نیازمند یک رویکرد ساختاریافته و چندبخشی است که جمع‌آوری سریع داده‌ها، تحلیل فنی و هماهنگی را هم‌زمان شامل شود. براساس استاندارد‌های بین‌الملل -به‌عنوان مثال روش‌شناسی UNDP، بانک جهانی DaLA- مراحل کلیدی ارزیابی خسارت جنگی را می‌توان به این ترتیب خلاصه کرد:

ارزیابی اولیه سریع (۲۲ ساعت): اولویت یا ایمنی است. زیرساخت‌های حیاتی مانند جاده‌ها، بل‌ها، شبکه‌های برق، سیستم‌های آب و بیمارستان‌ها بررسی می‌شوند. نیازهای پزشکی و بشردوستانه پوشش داده می‌شود. در این فاز از ابزارهای تصاویر ماهواره‌ای، بررسی‌های پهبادی، گزارش‌های دولتی-نظامی بهره می‌گیرند. ارزیابی دقیق خسارات و تلفات (دو تا چهار هفته): به خسارت فیزیکی توجه ویژه می‌شود. مسکن بر پایه واحدهای تخریب‌شده یا تا حدی آسیب‌دیده پایش می‌شود. زیرساخت‌ها- جاده‌ها، بنادر، شبکه‌های انرژی و مخابرات- بر پایه هزینه‌های تعمیر، پایش می‌شوند. به اموال دارایی‌های عمومی شامل مدارس، بیمارستان‌ها و ساختمان‌های دولتی دقت می‌شود. خسارات اقتصادی مستقیم شامل دارایی‌های تخریب‌شده -کارخانه‌ها، تأسیسات و...- و خسارات غیرمستقیم شامل بی‌کارشدن شاغلان، ازدست‌دادن دستمز، وقفه در کسب‌وکار، اختلال در زنجیره تأمین و همچنین اثربخشی خسارت‌ها در تولید و کاهش گردشگری بررسی می‌شود.

تحلیل تأثیر اجتماعی-اقتصادی بر پایه بررسی جابه‌جایی تعداد نیازمندان به سرپناه، معیشت و آسیب به کودکان، سالمندان و

زمین‌خوانی

صنعت گاز و ماینرهای رمزارز



پویان‌عتم‌اللهی

دکترای علوم ارتباطات اجتماعی

به هر حال امکان ندارد که وزارت نیرو و عوامالش سراغ تک‌تک صنایع و کارخانجات و منازل و کارگاه‌ها و ساختمان‌ها بروند و کنترل‌های لازم را انجام دهند. اینجا استفاده از کلان‌داده‌ها و فناوری‌های نوین کارساز است. یک فناوری می‌تواند به جای صدها و هزاران بازرس و مأمور عمل کرده و با توان، انرژی و وقت کمتری همان کار تفحص، کنترل، نظارت، رصد و پیگیری را انجام دهد.

احتمالا با جدیت‌های دولت و وزارت نیرو، تعدادی از متخلفان تولید رمزارز به این فکر افتاده‌اند که چگونه می‌توان برق تولید کرد و درعین‌حال چندان در معرض دید وزارت نیرو قرار نگرفت. راهکار دمدستی و متعارف این بود که از ژنراتور استفاده شود. نگاهی به سایت‌های فروش و عرضه ژنراتورها نشان می‌دهد که انواع و اقسام این محصول در دسترس هستند. سوخت این ژنراتورها نیز می‌تواند گاز یا فرآورده‌های نفتی باشد. نکته بارز این است که حساسیت وزارت نیرو و شناسایی برصرفرها (با بدمصرف‌ها یا مصرف‌کنندگان غیرمجاز) خیلی

۳ میلیارد تومان

فارس؛ طبق قوانین جاری، مهریه‌هایی که بیش از ۱۴ سکه باشند، به عنوان دارایی قابل مالیات شناخته می‌شوند و باید مالیات بر درآمد یا مالیات بر ارزش افزوده آن پرداخت شود. محاسبه مالیات مهریه به این شکل است که از ۱۵ تا صد سکه مالیاتی برابر با ۱.۱ درصد از کل ارزش مهریه، از ۱۰۱ تا ۲۰۰ سکه مالیاتی برابر با دو درصد از کل ارزش مهریه و بیش از ۲۰۰ سکه مالیاتی برابر با ۱۵ درصد از کل ارزش مهریه اختصاص می‌یابد. به‌طوری‌که برای ثبت ۳۰۰ سکه به عنوان مهریه، بیش از سه میلیارد تومان مالیات باید پرداخت شود.

اتفاق‌خوانی

از میدان‌التحریر

تا میدان روایت

کیوان لطفی

دکترای ارتباطات

فصلی تازه از تحولات ایران و جهان ورق خورد. درحالی‌که قدرت‌های جهانی می‌کوشند جنگ ۱۲روزه را جنگی ایدئولوژیک با جمهوری اسلامی جلوه دهند و رسانه‌هایی مانند «اینترنشنال» این روایت را القا می‌کنند، واقعیت در لایه‌ای عمیق‌تر، تقابل روایت‌ها، منافع متضاد و آینده‌نگری‌های متعارض درباره نظم نوین خاورمیانه را نشان می‌دهد.

جایگاه ژئواستراتژیک ایران، تنوع جغرافیایی‌اش و حافظه تاریخی یک ملت دیرپای، همواره آن را در نقطه‌ای کانونی از طراحی نظم جهانی قرار داده است. در این الگو، ایران باید مهار شود؛ یا با تحریم، یا با بازسازی روایت‌ها، یا از مسیر فعال‌سازی گسل‌های اجتماعی. اما ایران، به‌عنوان کشوری مستقل با حافظه تمدنی، همواره از پذیرش نقش مصرف‌کننده امنیت صدارتی غرب سر باز زده است.

از منظر معماران نظم جهانی، ایران یکپارچه و تأثیرگذار، مانعی استراتژیک در برابر قدرتی ساختگی به نام اسرائیل است. ایران نباید آن‌قدر بزرگ بماند که سایه‌اش بر منطقه بیفتد. میراث‌داری یک تمدن تاریخی، در تقابل مستقیم با جاه‌طلبی غرب برای کدخدایی در غرب آسیاست. حتی پیش از انقلاب اسلامی نیز قدرت‌های جهانی برای مهار ایران نقشه داشتند؛ همان‌طور که در مصری که برای آن نقشه داشتند، پس از خیزش میدان التحریر، قواعد بازی بر خلاف خواست مردم تغییر نکرد، در ایران نیز تلاش شد تا اراده برآمده از انقلاب ۵۷ به حاشیه رانده شود. اما برخلاف این انتظار، ایران «جبهه مقاومت» را تعریف کرد و به بازی‌گردانی در تحولات منطقه پرداخت؛ امری که در نگاه نظم مسلط، خط قرمز تلقی می‌شود. ایران مستقل، نه به ظرفیت نظامی، بلکه در تولید معنا و روایت، مانعی در برابر سیطره اسرائیل است و مهار این مزاحم ژئوپلیتیک، در دستور کار آنان قرار دارد؛ چه با جنگ، چه با تحریم و چه با تسخیر افکار عمومی از مسیر بحران‌های داخلی. امروز دیگر روشن است که حقوق بشر و رفاه مردم، بهانه‌هایی ژئوپلیتیکی هستند. کافی است نگاهی گذرا به وضعیت کشورهایی که بیشترین رابطه را با غرب داشته‌اند، انداخت تا ابزاری‌بودن این شعارها برما شود. در این منطق، خشونت موجه است، اگر در خدمت منافع باشد؛ و زشتی، قابل برک، اگر به کار روایت غالب بیاید.

اگر سهم طراحان قدرت جهانی حذف شود، صف مدعیان دروغین صلح و آزادی عیان خواهد شد. ما نیز گاه خطا کرده‌ایم؛ سخت‌گیری بر نجبان صادق، فرصت را برای افراد دغل‌کار و بازیگران حرفه‌ای روایت دشمن باز گذاشته است.

اما اکنون، در میانه این منازعه‌سرنوشت‌ساز، زمان گلایه نیست؛ باید در وقت عافیت، امکان نقد و گفت‌وگو فراهم آید و صدای منتقدان صریح شنیده شود. امروز، در برابر دشمنی قدرارمند که سودای تجرزه جغرافیا و تحقیر روح ایرانی را دارد، اتحاد یک ضرورت است.

این نبرد، جنگ وانموده‌هاست؛ حتی اگر برخی نموده‌ها نیازمند بازنگری باشند. دشمنی که در خلیج فارس خیمه زده، هرینه جنگ‌افروزی را از مالیات شهروندان خود تأمین می‌کند و هم‌زمان افکار عمومی ایران را به خاطر تعریف مرزهای دفاعی‌اش زیر ضرب می‌برد، قابل اعتماد نیست. او از نام «دشمن» هراسان است، اما ژست دلسوزی برای مردم ایران می‌گیرد. بیش‌ک، نان و زندگی مردم اولویت دارد. نگ بر آنان که به نام دوست، اسب کارآمدی ساختار خدمت‌رسانی را زمین زده‌اند. مطالبات مردمی که هوشمندانه پای کار دفاع از خاک و آرمان ایستاده‌اند، باید شنیده و پاسخ داده شود. اما هم‌زمان باید فریب آتانی را نخورد که با شعار مردم، منافع مردم را نشانه گرفته‌اند.

ایران، امانت است و تاریخ، امانت‌داری ما را دآوری خواهد کرد. رفاه و آسایش، پاداش همدلی و کنش طبیعی ایرانیان است. زیاده‌خواهان خوش‌گوی بدخواه باید از ساحت تحولات جامعه‌کنار گذاشته شوند.

شمرنده تاریخ‌خواییم شد، اگر اجازه دهیم پیمانکاران قدرت و ثروت جهانی، قصاب آزادی‌خواهی این ملت را گلوله‌باران کنند.

و حق با ما نیست. مسیر خود را بجویم و بر پای خود بایستیم. با همه پستی‌بلندی‌ها، ما اهلیت آن را داریم که خود، فرش دستباف ایران را رفو کنیم؛ با هم و برای هم.



سد تونی دو قوسی کارده با ارتفاع ۷۰متر و طول تاج ۱۴۴متر بر روی رود کارده احداث شده است. این سد که در ۴۰کیلومتری مشهد قرار دارد یکی از سدهای تأمین کننده آب مشهد است. حجم کلی سد کارده در تراز نرمال ۲۰میلیون مترمکعب است اما در حال حاضر کمتر از ۱۰ درصد مخزن این سد آب دارد. معمولاً هر سال حدود ۵ تا ۶میلیون متر مکعب ورودی مخزن دارد اما در سال جاری یکی از سال‌های خشک مخزن است. عکس: سید محمد آل‌رسول، ایستا

دغدغه‌خوانی

مدرسه؛ آغاز دوگانه‌سازی

علی‌بهشتی‌نیا

همه چیز از همان مدرسه آغاز شد؛ آنجا که نماینده کلاس، نام «خوب‌ها» را در یک ردیف و نام «بدها» را در ردیفی دیگر نوشت. همان جایی که دانش‌آموزان را فقط با متر و معیار «خوب» و «بد» می‌سنجیدند؛ جایی که واقعیت‌ها را به دو قطب متضاد تقسیم کردند. دانش‌آموزان از جامعه، خانواده و مدرسه آموخته بودند اگر نامشان در ردیف «بدها» باشد، اجازه اعتراض و دفاع نخواهند داشت. آنها از مطالبه و پرسش‌گری محروم بودند و کلاس به کلاس، واژه‌هایی چون «بی‌انضباط»، «شیطان»، «شرور»، «مؤبد» و «خوب» به ابتدا و انتها ی نام دانش‌آموزان چسبانده می‌شد. و به همین ترتیب، از سوی معلم، معاون، مدرسه و سپس خانواده و جامعه، نا‌عادلانه قضاوت می‌شدند. با همین الگوی «خوب» و «بد» بود که بعدها دانش‌آموزان، معلمان و مدیران و کارگزاران قدرت را قضاوت کردند و همه چیز را به دوگانه خوب و بد تقسیم کردند.

این نگاه دوگانه، آرام‌آرام فهم دانش‌آموزان از واقعیت را محدود و در مقابل، تعصب و پیش‌داوری را در آنها تقویت کرد. نقش مدرسه به عنوان نهاد بنیادین تربیت، کم‌رنگ و فراموش شد. در این مدارس بود که دانش‌آموزان آموختند در برابر هر پرسش، مطالبه و اعتراض، نامشان در ردیف بدها خواهد آمد. اکنون مدرسه‌ای که قرار بود در کنار آموزش، بستری برای پرورش تفکر انتقادی و تحلیلی باشد و پرسش و مطالبه‌گری را آموزش دهد، به محل تنبیه و سرکوب دانش‌آموزانی تبدیل شد که متفاوت می‌اندیشیدند و پرسشگر بودند.

دراین‌میان نقش خانواده را نیز نمی‌توان در تداوم این دوگانه‌سازی نادیده گرفت. نگاه پدر و مادر به فرزندان و جنسیت آنها تقسیم آنها به درس‌خوان و بی‌سواد، موفق و درس‌ساز، زخم‌های پنهان این دویاره‌سازی بوده و هستند. آثار دوگانه‌سازی فقط به مدرسه و خانواده محدود نماند. مرزبندی میان افراد به «حکومتی» و «غیرحکومتی»، «خودی» و «غیرخودی»، «میهن‌پرست» و «وطن‌فروش»، جامعه را به سوی شعار «آنکه با ما نیست، علیه ماست» سوق داد. مطبوعات، استادان دانشگاه، ورزشکاران، هنرمندان و مهاجران و به‌واقع هیچ‌کس از ترکش این دوقطبی‌سازی در امان نبود و بسیاری از آنها با دوگانه «خوب» و «بد»، «خودی» و «غیرخودی» محکوم، محدود یا حذف شدند.

اگر از همان ابتدا به جای ارزیابی و مقایسه سطحی دانش‌آموزان، تفکر انتقادی را به آنها می‌آموختیم و در کنار آن، ارزش‌هایی چون گفت‌وگو، احترام به عقاید مخالف و مدارا را آموزش می‌دادیم، درک و تحلیل آگاهانه‌تری از پیچیدگی‌ها و واقعیت‌های جامعه داشتیم. رویدادهای امروز جهان و نوع ارتباط ما با آنها و تکثرگرایی، ضرورت فاصله‌گرفتن از دوگانه‌سازی «خوب» و «بد» را بیش از پیش آشکار می‌کند. اگر مدرسه بتواند از بازتولید دوقطبی‌سازی دوری کند و فضایی برای رشد تنوع فکری و اخلاقی فراهم آورد، می‌توان به شکل‌گیری جامعه‌ای بازر، عادلانه‌تر و گفت‌وگومحور امیدوار بود. برای دگرگونه‌بودن، باید دگرگونه دید. در جامعه خالی از تنوع و تکثر، جایی برای گفت‌وگو باقی نمی‌ماند و این همان نقطه پایان و آسیب‌های جبران‌ناپذیر جامعه است. آری، همه چیز از همان مدرسه آغاز شد. فرصت‌هایی چون برابری، نقد، گفت‌وگو، تفکر انتقادی و تحمل مخالف، در مدرسه از دست رفت و اکنون نیز، همه چیز در همان مدرسه است.

